**١٢١ - مَدرسۀ تبلیغ**

و نیز از حضرت عبدالبهاء - طهران حضرت صدر همدانی علیه بهاء اللّه الابهی :

**هو اللّه**

ای واقف اسرار و سرور ابرار فی الحقیقه بخدمت امر اللّه پرداختی بنیان متین در عالم وجود ساختی علمی در قطب امکان افراختی شور و ولهی در قلوب انداختی امروز تعلیم تبلیغ اعظم اساس است و اقتباس دلائل و براهین فرض و اطلاع بر حجج قاطعه بر ظهور نور مبین واجب مجلسی که آراستی بسیار فرح و سرور قلب عبدالبهاء شد البته همّت و مداومت و استقامت را مجری فرمائید تا انشاءاللّه به نفثات رحمانیّه نفوسی تربیت شوند که هر یک در انجمن عرفان شمعی روشن گردند بسیار این قضیّه مهم است و بر کلّ واجب و مفروض در سر هر سه ماهی لائحۀ آن مجلس تبلیغ را ارسال دارید تا منتشر شود و سبب تشویق دیگران گردد . یا بهائی الابهی و یا مقدّری و مصوّری و مؤیّدی علی الهدی انّی امرّغ وجهی بتراب عتبة قدسک النّوراء متذلّلاً مبتهلاً متضرّعاً مناجیاً مستغیثاً اَنْ تؤیّد عبدک هذا بالهامات غیب رحمانیّتک و توفّقه علی تعلیم الفتیان برهانک الواضح المبین وحججک البالغة علی العالمین و وفّقه ان یربّی نفوساً زکیةً حَمَلة کتابک و سَفَرة بیانک و عَبَدة جمالک مبشّرین بظهورک مقتبسین من نورک ناشرین لنفحاتک ناطقین بثنائک بین خلقک انّک انت الکریم الرّحیم اللّطیف الوهّاب و انّک انت المؤیّد لاولی الالباب . ع ع

و در خطابی - طهران تلامذۀ حضرت صدر ...

**هو الله**

ای طالبان عرفان چه همّتی نمایان نمودید و چه نیّتی خیریّه در خدمت حضرت یزدان فرمودید انسان را حیاتی مانند ممات در این زندان ، نه راحتی و نه لذّتی و نه مسرتی و نه سلوتی مگر نفسی را مستی دائمی فروگیرد و دائم السّکر باشد بکلّی از ادراک و احساس محروم گردد شاید او بالعرض خندان شود و بتوهّمی شادمانی کند ولی در این ظلمت دهماء شمعی جهان افروز موجود و در این غرقاب فنا سفینۀ نجات مشهود این سمّ نقیع دا دریاق اعظمی و این تلخی حنظل را قند مکرّری و آن احساسات روحانیّۀ انسان و سنوحات رحمانیّۀ یزدان و تجلّیات ربانیّه عرفان و الهامات غیبیّۀ رب رحمن است پس ای طالبان قدر آن استاد را بدانید که در دبستان الهی معلّم ربّانی است و شب و روز بکوشید تا اقتباس انوار علم الهی نمائید و اکتساب فنون رحمانی ، در گلشن توحید هر یک گلبانگی زنید و درس حقائق و معانی بدهید همّت نمائید و غیرت بنمائید و در این میدان گوی سبقت و پیشی را بربائید و علیکم التحبّة و الثّناء . ع ع

و در خطابی به میر سید علی اهل صاد در طهران است قوله العزیز : امّا جمیع تدریس و تعلیم باید درس تبلیغ باشد تلامذه در تبلیغ مهارت پیدا کنند والّا اگر بنحو و صرف و منطق و بدیع و بیان و امثال ذلک بپردازند و بعد درس تبلیغ بخوانند سالهای سال بگذرد و فرصت از دست برود .

و از حضرت ولیّ امر اللّه بواسطۀ محفل مرکزی کشور مقدس ایران در خطاب به اعضای محافل روحانیّۀ ایران است قوله الآمر الحکیم : و از جمله فرائض اعضای محافل روحانیه ترویج امر تبلیغ است باید جوانان علم تبلیغ بیاموزند و بر معلومات امریّه و علمیّه و ادبیّه بیفزایند باسلوب و لحن خطابه‌های حضرت عبدالبهاء در بلاد غرب آشنا نمایند و به شرائط مبلّغین که در کتب و صحف مثبوت است متذکر سازند نفوس قابلۀ زکیّۀ منقطعه را به نقاط بعیده در ممالک آزاد اعزام نمایند و در رعایت و مواظبت و محبّت و مؤانست با مهتدین و مقبلین سعی بلیغ مستمراً مبذول دارند این است اسّ اساس شریعت الهیّه این است مایۀ برکت سماویّه این است مدار عزّت و سعادت ابدیّه طوبی للفائزین .